

نا استوار قلمداد شدن روایات فضل بن شاذان از امام رضا □

دکتر مهدی بیات مختاری *

چکیده:

نگاشته‌های شیخ صدوق (م 381 ق)، بویژه *من لایحضره الفقیه*، *علل الشرایع و عیون الاخبار الرضا* □ به فزونی حاوی نقل فضل بن شاذان نیشابوری (م 260 ق) از امام رضا □ (م 203 ق) است. از سده‌های گذشته تاکنون، پژوهشپان علوم اسلامی، بویژه فقیهان با دل‌مشغولی وافر و اقبال گسترده، به آن اخبار استدلال جسته و در بسیاری از ابواب فقهی، دستمایه اجتهاد خویش قرار داده‌اند. در سیصد و پنجاه حدیث و *سائل الشیعة*، از منابع بنیادین استنباط و اجتهاد، نقل ابن شاذان از آن حضرت به قلم آمده است. حدیث پژوه معاصر محمد باقر بهبودی با استناد به رجال کثیف و طوسی فضل را متولد پس از شهادت آن حضرت معرفی کرده و از این رهگذر آن روایات را فاقد اعتبار، قلمداد نموده است. نویسنده این مقاله با کند و کاو در آن دو کتاب رجالی و لحاظ کردن پاره‌ای قراین تاریخی و بررسی برخی از اساتید و شاگردان فضل به رهیافتی متقابل رسیده و وی را متولد حدود سال یکصد و هشتاد هجری و پیش‌تر از آن می‌داند که در نتیجه می‌تواند از آن حضرت به روایت ببرد.

کلید واژه‌ها: امام رضا □، فضل بن شاذان، بهبودی، رجال الطوسی.

درآمد

حدیث‌شناس معاصر محمد باقر بهبودی در عنوان مسائل فضل بن شاذان فی *علل الشرایع و الاحکام* و رساله الامام ابی الحسن الرضا □ الی المامون در کتاب *معرفة الحدیث*، بر این رهیافت پای فشرده که ابن شاذان حدیثی را بی‌واسطه از امام رضا □ نقل نکرده و جزو صاحبیان ایشان محسوب نمی‌گردد، و از این رهگذر *علل الشرایع و الاحکام* و همین‌گونه ما کتبه الرضا □ للمامون فی محض الاسلام و... که از سوی فضل از امام رضا □ نقل شده^۱، فاقد صحت و استواری است. فضل سالیانی پس از امام رضا □ متولد شده و طوسی وی را تنها در عداد صاحبیان امام هادی و عسکری □ بر شمرده است^۲. وی بُرهه پایانی عمر اساتید خویش، صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر، ابن فضال و... را درک کرده است؛ زیرا نوشته شده که به سنّ بلوغ نرسیده بود که در قطیعه الربیع بغداد در نزد اسماعیل بن عبّاد، یکی

* . استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱. *معرفة الحدیث*، ص 270، ش 14 و ص 272، ش 15.

۲. *عیون اخبار الرضا* □، ج 2، باب 34، ص 106 و باب 35، ص 129؛ *علل الشرایع*، ج 1، باب 182، ص 251.

۳. *رجال الطوسی*، ش 5742، 5883.

از مقریان، به آموختن قرآن پرداخت و ابن فضال در آن هنگام، کهنسالی خویش را سپری می‌کرد.^۴

نویسنده این سطور اقبال به این دستاورد را شتابزده و آن را از قرائت‌های ویژه و دیریاب تلقی کرده و شاکله آن را بر اصول پژوهش استوار نمی‌داند و با توجه به اهمیت موضوع و قابلیت آن برای تدقیق بیشتر، با کند و کاوهای روایی، رجالی و تاریخی و تکیه بر پاره‌ای قراین، به دیدگاه متفاوت رسیده و از این رهگذر به هشت موضوع با صبغه ایجاز و به گونه روشمند خواهد پرداخت: 1. ناهمگونی نقل‌های فضل از امام رضا و چرایی آن؛ 2. دستاویز قرار گرفتن رجال طوسی؛ 3. اساتید فضل تعیین کننده طبقه وی؛ 4. طبقه برخی از روایان ابن شاذان؛ 5. تأمل در پاره‌ای قراین تاریخی و رجالی؛ 6. کند و کاو در گزارش کثی و نجاشی؛ 7. تعدد طرق مشایخ عظام صدوق، طوسی و نجاشی به حدیث العلل؛ 8. استواری و صحت سند حدیث العلل در منظر فقیهان.

ناهمگونی نقل‌های فضل از امام رضا - علیه السلام - و چرایی آن

روایان واقع در اسناد روایات، به سه گروه تقسیم می‌شوند: پاره‌ای همیشه به نقل بی‌واسطه از معصوم پرداخته‌اند و عدّه‌ای نقلشان انحصار در ویژگی وساطت دارد و گروهی روایات بی‌واسطه و بواسطه از پیامبر و امام دارند. اخبار ابن شاذان از امام رضا متفاوت، و در عین حال از ویژگی طبیعی و همسنگ همتایان خویش از سایر روایات برخوردار است. روایات وی از آن حضرت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: روایات بی‌واسطه: نقل مستقیم فضل از امام رضا منحصراً به احادیث گسترده العلل یا نامه آن حضرت به مأمون - که هر یک خود کتابی تلقی می‌گردند و بی استثنا همه فقه‌شناسان آن دو را مدرک استنباط‌های خود اتخاذ کرده‌اند - نیست. وی احادیث بسیار دیگری را نیز در زمینه توحید، انبیاء، امامت، احکام و ... از آن حضرت گزارش کرده است.^۵

ب: نقل با واسطه از امام رضا: در برخی از موارد ابن شاذان با واسطه صفوان بن یحیی، به نقل از امام رضا پرداخته و گاهی اتفاق افتاده که با دو واسطه نقل کرده است.^۶ تنوع اخبار وی از امام رضا، به تمام امری طبیعی و برخوردار از نمونه‌های فراوان در بین روایان حدیث و برای بسیاری تقریباً واقعیت یافته است. ابن ابی عمیر، از مشایخ فضل، با این که از صحابیان امام صادق به شمار آمده، در برخی اوقات با دو یا سه واسطه از آن حضرت نقل می‌کند. حماد بن عیسی از اصحاب امام صادق - که از اساتید

۴. اختیار معرفة الرجال، ش ۹۹۳؛ رجال النجاشی، ش ۷۲.

۵. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۹۴.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۹، ح ۵۹۱۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۲، ص ۲۵، ۱۹، ۲۶، ۱۰۶؛ الخصال، ص ۵۸؛ التوحید، ص ۲۶۹، ش ۱۳۷.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۳۶، ح ۴؛ ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۴.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۲، ح ۱ و ج ۴، ص ۱۴۳، ح ۹.

۹. کتاب الرجال، ص ۱۵۹، ش ۱۲۷۲.

ابن شاذان تلقی می‌گردد - نیز برخوردار از این ویژگی است^{۱۰}. بی‌تردید، امکان‌پذیر نیست که صحابیان ائمه □ دائم الحضور در نزد آنان باشند. از این رهگذر اتفاق می‌افتد که امام □ در جلسه‌ای القای کلام دارند که در آن برهه راوی حاضر نیست و در نتیجه، وی به ضرورت، آن روایات را با واسطه نقل می‌کند. علی بن ابراهیم قمی از هارون بن مسلم و کلینی از عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله اشعری گاهی با واسطه و گاهی مستقیم نقل می‌کنند^{۱۱}. در تعلیل و تبیین ناهمسانی نقل روات به چند جهت می‌توان اشاره کرد:

الف. امکان ملاقات بین راوی و مروی □ عنه همیشه وجود ندارد. گاهی فرصتی کوتاه همانند حج اتفاق می‌افتد و برخی احادیث را از وی دریافت کرده و در نتیجه بقیه اخبار او را با واسطه، روایت می‌کند؛ ب. گاهی راوی از استادی که سپس دستخوش حادثه مرگ می‌گردد، تلقی حدیث می‌کند، آن گاه برخی را که در حافظه‌اش باقی مانده، گزارش مستقیم و پاره‌ای را که فراموش کرده، با واسطه گزارش می‌کند؛ ج. برخی اوقات شاگرد تعدادی از احادیث را تلقی و به علی استاد را پس از آن نمی‌بیند و به ضرورت، اخبار باقی مانده را به وسیله یکی از روایان یا سابقه که قبلاً با استاد، تماس بیشتری داشته، دریافت می‌کند. ابن قولویه مؤلف کامل الزیارات تنها چهار حدیث را بی‌واسطه از سعد بن عبدالله اشعری دریافت کرد و بقیه را با واسطه پدر یا برادرش به نقل از او می‌پردازد^{۱۲}. د. گاهی راوی در برهه‌ای از زمان معین که استاد کتاب مشخصی را تدریس و القا می‌کند، حضور ندارد. وی روایات و کتاب‌های پیشین را - که بی‌واسطه از استاد تلقی کرده - به گونه مباشر و آن کتاب معین را با واسطه نقل می‌کند.

دستاویز قرار گرفتن رجال الطوسی

شیخ طوسی همان‌گونه که آقای بهبودی به آن استناد جسته، فضل بن شاذان نیشابوری را تنها در عداد صحابیان امام هادی و عسکری □ بر شمرده^{۱۳} که مفهوم گفتار وی و نه نص و تصریحش، این است که فضل امام رضا □ را درک نکرده و در زمره صحابیان ایشان به شمار نمی‌آید. از طرفی در رجال وی فضل بن سنان نیشابوری در زمره وکیلان امام رضا □ به حساب آمده^{۱۴} و از همین رهگذر به استناد گفتار طوسی در تمامی تصنیفات رجالی، وی در زمره روایان امام رضا □ نامبردار شده است^{۱۵}. نویسنده از تجزیه و تحلیل روایی و رجالی حدس می‌زند که مراد از فضل بن سنان نیشابوری، همان فضل بن شاذان

۱۰. مشایخ النقات، ص 76.

۱۱. الکافی، ج 1، ص 107، ح 4، ص 326، ح 8، ص 341، ح 23 و 25، ص 457، ح 10 و 11 و ص 468، ح 6.

۱۲. رجال النجاشی، ص 123، ش 318.

۱۳. رجال الطوسی، ش 5742 و 5883.

۱۴. همان، ش 5385.

۱۵. خلاصه الأقبوال، ش 768؛ کتاب الرجال، ش 1198؛ تنقیح المقال، ج 3، ص 8، ش 9471؛ حاوی الأقبوال، ج 4،

ص 186؛ منهج المقال، ص 260؛ مجمع الرجال، ج 5، ص 21؛ جامع الرواة، ج 2، ص 5؛ مستدرکات رجال علم الحدیث، ج 6،

ص 207، ش 11563؛ معجم النقات، ص 95، ش 638؛ معجم رجال الحدیث، ج 14، ص 308، ش 9372.

نیشابوری است که در آن شاذان به سنان تبدیل شده است. کلمات مقلوب و تغییرات با صبغه تبدیل شین به سین و به عکس در کتب رجالی و روایی، بویژه در کتب پیشینیان و متون کهن بسیار رُخ داده است. این رویکرد و دستاورد میمون را چند قرینه می‌تواند تقویت و مورد تأکید قرار دهد.

الف. صدوق یک قرن پیش از طوسی علل الاحکام و سایر روایات فضل را از امام رضا^ع به چند طریق و سند نقل کرده و در کتب خویش از جمله *من لا یحضره الفقیه* نگاشته که آن تألیفات بی‌تردید در اختیار طوسی بوده، ولی در عین حال وی را با صرف نظر از عنوان فضل بن سنان در عداد صحابیان امام رضا^ع برنشمرد، از این رهگذر به دست می‌آید که مقصود از فضل بن سنان در رجال وی همان فضل بن شاذان است که دستخوش تصحیف گردیده است.

ب. از نگاشته‌های طوسی به دست می‌آید، که وی برخوردار از چندین طریق صحیح به تمامی روایات فضل بن شاذان از جمله *العلل* است^{۱۶}. از این رو، این احتمال تقویت می‌شود که مقصود وی از فضل بن سنان که وی را جزو صحابیان امام رضا^ع برشمرد، همان فضل بن شاذان باشد.

ج. با توجه به این که فضل بن سنان نیشابوری - که به عنوان وکیل امام رضا^ع از آن یاد شده - در سلسله اسناد هیچ روایتی قرار نگرفته و از سویی بعید است که وکیل در هیچ خبری نامی از وی نباشد، این نظر را تأیید می‌کند که مراد از وی، فضل بن شاذان نیشابوری است که در اسناد روایات فراوانی قرار گرفته است.

د. برخی از سرآمدان و رجال‌شناسان متأخر، همانند شیخ موسی زنجانی و رجالی ژرف‌اندیش شوشتری این احتمال را مدلل و برخوردار از قرینه دانسته و از آن استقبال کرده‌اند^{۱۷}. از سویی یکی از محققان معاصر - که تحقیقات وی در دهه‌های پیش مورد استفاده گسترده شهید مرتضی مطهری در خدمات متقابل اسلام و ایران قرار گرفته - به نقل از طوسی، فضل بن شاذان نیشابوری را از اصحاب امام رضا^ع برشمرد و از طرفی چون در کتاب رجال موجود و مطبوع از طوسی وی در عداد صحابه آن امام به حساب نیامده، از این رهگذر مشخص می‌شود که یا در نسخه ایشان در اصل، فضل بن شاذان ثبت شده و یا ایشان فضل بن سنان را فضل بن شاذان قرائت کرده و آن را صحیح دانسته است^{۱۸}.

امام رضا^ع هفده سال پیش از آن که به منطقه خراسان فراخوانده شوند، مسئولیت امامت را بر عهده داشته و در آن برهه فضل می‌توانسته به تلقی حدیث از آن حضرت پرداخته و به وکالت منصوب شده باشد. ملاقات و تلقی حدیث وی از امام رضا^ع و نیابت از آن حضرت هم از رهگذر نیاز مردم منطقه، محتمل است پس از ورود آن حضرت به نیشابور - که به گفته برخی چهار روز در آن اقامت گزیدند^{۱۹} - و یا در طی حدود دو سال حضور در خراسان رقم خورده باشد.

با صرف نظر از این که می‌توان فضل بن سنان را در *رجال الطوسی* همان فضل بن شاذان تلقی و قرائت کرد، بر این نکته پای می‌فشریم، این که شیخ طوسی وی را از صحابیان

۱۶. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش 564؛ تهذیب الاحکام، ج 10 (المشیخه)، ص 86.

۱۷. قاموس الرجال، ج 8، ص 404؛ الجامع فی الرجال، ج 2، ص 563.

۱۸. راویان امام رضا^ع در مسند الرضا، ص ۳۴۱.

۱۹. تاریخ نیشابور، ص 208.

امام هادی و عسکری □ بر شمرده، حاوی نفی صحابیت وی در ارتباط با امام رضا و جواد □ نیست: اولاً، روایات منقول صریحاً است که دو طبقه از طوسی جلوتر و یک قرن پیش از وی می‌زیسته - صریح است که ابن شاذان از صحابیان امام رضا □ است و از انعقاد مفهوم مخالف و ظرفیت و قابلیت استدلال به کلام طوسی جلوگیری می‌کند. ثانیاً، بر فرض که فضل بن سنان در عبارت طوسی محرف فضل بن شاذان نباشد، از رهگذر این که گزارش‌های وی بر پژوهش و احصای فراگیر و تام، استوار نبوده و فصل الخطاب از بُعد جامعیت و مانعیت تلقی نمی‌گردند، عدم صحابیت فضل لازم می‌آید:

الف. طوسی داود بن کثیر رقی را تنها از اصحاب امام صادق و کاظم □ بر شمرده^{۲۰}، با این که وی در معتبرترین کتب از امام باقر □ نیز به نقل پرداخته است^{۲۱}.

ب. طوسی، صفوان بن یحیی را تنها از صحابیان امام کاظم، رضا و جواد □ بر شمرده است^{۲۲}. در عین حال، وی از امام صادق □ نیز روایت نقل کرده است^{۲۳}.

ج. وی، جعفر بن عیسی بن عبید را تنها از صحابیان امام رضا □ بر شمرده^{۲۴}، با این که وی از امام صادق و کاظم □ نیز نقل نموده است^{۲۵}.

د. وی شاذان بن خلیل را از صحابیان امام جواد □ محسوب نموده^{۲۶}، اما وی از امام کاظم □ نیز روایت نقل کرده است^{۲۷}.

ه. طوسی در رجالش عبد الرحمن بن ابی نجران را تنها از صحابیان امام رضا و جواد □ بر شمرده^{۲۸}، اما وی راوی از امام کاظم □ نیز هست^{۲۹}.

و. طوسی نصر بن مزاحم را تنها از صحابیان امام باقر □ بر شمرده است^{۳۰} که با توجه به قراین ذیل، بی‌تردید او جزو صحابیان امام باقر □ نیست. طوسی و نجاشی طریق خود را به کتب وی، محمد بن علی صیرفی مشهور به ابوسمینه ذکر نموده‌اند^{۳۱} که وی معاصر احمد بن محمد بن عیسی (م 280 ق) است. با نگرستن طبقات و میانگین عمر محدثان، چگونه ابوسمینه راوی از صحابیان امام باقر □ می‌تواند باشد؟ در طریق طوسی به نصر بن مزاحم، حمید (م 310 ق) قرار گرفته، و او تنها با واسطه یونس بن علی عطار کتب نصر بن مزاحم را نقل کرده است^{۳۲}. آیا متوفی سال 310 با یک واسطه می‌تواند از صحابی امام باقر □ نقل کند؟ در طریق نجاشی به کتاب *الجملة* نصر بن مزاحم، احمد بن محمد بن

۲۰. رجال الطوسی، ش 2547 و 5003.

۲۱. کامل الزیارات، باب 72، ح 5.

۲۲. رجال الطوسی، ش 5038، 5311 و 5559.

۲۳. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 293، ح 4052؛ تهذیب الأحکام، ج 2، ص 68، ح 246.

۲۴. رجال الطوسی، ش 5237.

۲۵. معجم رجال الحدیث، ج 5، ص 57، ش 2223.

۲۶. رجال الطوسی، ش 5558.

۲۷. الکافی، ج 8، ح 138؛ معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 9، ش 5678.

۲۸. رجال الطوسی، ش 5567 و 5323.

۲۹. من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 108، ح 223.

۳۰. رجال الطوسی، ش 1633.

۳۱. رجال النجاشی، ش 1148؛ فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش 773.

۳۲. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش 773.

سعید (م 333 ق) قرار دارد که تنها با واسطه یحیی بن زکریا بن شیبان کتاب وی را روایت کرده است.^{۳۳} آیا متصور است متوفی در آن سال با یک واسطه از صحابی امام باقر نقل کند؟ و تقویت‌کننده خطای طوسی این است که نصر بن مزاحم در سال 212 و دوران ولایت امام جواد فوت نموده و منابع تاریخی حضور وی را در کوفه در زمان حرکت امام رضا به سوی ایران تأیید نموده‌اند.^{۳۴} احتمال داده می‌شود که طوسی روایت نصر بن مزاحم را از ابو جعفر دیده و او را امام باقر پنداشته که با فرض وجود چنان روایتی و صحت آن، ابو جعفر دوم، یعنی امام جواد مراد است.^{۳۵}

اساتید فضل تعیین کننده طبقه وی

اگر اساتید فضل در سال‌های نزدیک به شهادت امام رضا در گذشته باشند، بی‌تردید، روایت وی را از امام رضا موجه و برخوردار از صحت می‌سازند. تأمل ورزیدن در دو نکته ما را در دریافت حقیقت معاضدت می‌کنند: برخی از منابع رجالی، برهه تحمل حدیث را بیست سالگی و حداقل بلوغ راوی در نظر گرفته‌اند و از سوی دیگر دریافت حدیث از استاد برخوردار از ویژگی فرایند امتدادی است. به دیگر سخن، ممکن است تلقی روایت در بخش اول یا دوم یا پایان حیات علمی هر کدام از آن دو اتفاق افتاده باشد.

الف . هشام بن حکم : این که هشام بن حکم در عداد اساتید ابن شاذان به شمار آمده، از رهگذر روایتی است که طوسی نقل نموده است.^{۳۶} فضل وی را متوفی سال 179 نگاشته و نجاشی بر آن است که وی به سال 199 در بغداد فوت کرده است. علامه رجالی، شوشتری تاریخ‌گذاری فضل را از جهت اعرافیت وی و این که هشام بن حکم پیش از هارون (م 193ق) از رهگذر هراس از دستگیری وی در گذشته است، اصح از تاریخ‌نگاری نجاشی قلمداد کرده است.^{۳۷} در صورت استواری نقل نجاشی، خللی در اثبات مقصود ما نیز ایجاد نمی‌گردد.

ب . شیخ طوسی : حداقل دو بار با واسطه فضل بن شاذان از ابو عتبه اسماعیل بن عیاش بن سلیم عنسی حمصی - که از محدثان نامبردار مکتب خلافت در شام بوده - به نقل خبر اقدام کرده است.^{۳۸} محتمل است که فضل در شامات از وی تلقی حدیث کرده و یا در طی دو مسافرتی که از شام به کوفه و بغداد داشته، آن امر تحقق یافته است. وی به سال 108 هجری متولد و در سال 181 - که بیشتر از هفتاد سال داشته - در گذشته است.^{۳۹}

ج . داوود بن کثیر رقی : طبق گزارش منابع و ماخذ حدیثی و رجالی

۳۳. رجال النجاشی، ش 1148.

۳۴. میزان الاعتدال، ج 4، ص 253، ش 9046؛ الخرائج والجرائح، ج 1، ص 349.

۳۵. معجم رجال الحدیث، ج 20، ص 159.

۳۶. تهذیب الأحکام، ج 9، ص 226، ح 36.

۳۷. اختیار معرفة الرجال، ش 475؛ رجال النجاشی، ش 1164؛ قاموس الرجال، ج 10، ص 556.

۳۸. الغیبة، ص 454 و 470.

۳۹. تاریخ بغداد، ج 6، ص 221، ش 3276؛ تقریب التهذیب، ج 1، ص 98، ش 474؛ تهذیب التهذیب، ج 1، ص 280، ش 584؛

الجرح والتعديل، ج 2، ص 191؛ سیر اعلام النبلا، ج 8، ص 312، ش 83.

داوود بن کثیر رقی از مشایخ حدیثی فضل به شمار می‌آید.^{۴۰} به گفته نجاشی وی در سال 203 با فاصله اندکی پس از شهادت امام رضا □ در گذشته است.^{۴۱}

د. یونس بن عبد الرحمن : ابن شاذان حد اقل دو حدیث از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده و از سویی وفات وی به سال 208 اتفاق افتاده است.^{۴۲}

ه. حماد بن عیسی : وی از اصحاب اجماع، و اعظم مفاخر شیعه و جزو صحابیان امام صادق، کاظم و رضا □ به شمار می‌آید. بررسی و محاسبه آماری، حاوی این است که نقل فضل از وی در *الکافی حدائق* نود حدیث است. و از سویی وی به سال 209 فوت کرده است.^{۴۳} طبق گزارش کلینی در حدود ده مورد فضل به گزارش یک خبر از حماد بن عیسی و استاد دیگرش ابن ابی عمیر اقدام کرده است.^{۴۴}

و. صفوان بن یحیی : کشتی آن هنگام که نام هیجده نفر از اساتید ابن شاذان را بر می‌شمارد، به صفوان بن یحیی نیز اشاره می‌کند.^{۴۵} طبق پژوهش آماری، نقل فضل از وی حدائق در *الکافی* 208، *تهذیب الاحکام* 84 و *الاستبصار* 28 روایت است. در کتب حدیثی دیگر نیز، نقل فضل از وی اتفاق افتاده است.^{۴۶} به علاوه، در نگاشته‌های خود ابن شاذان گزارش از او به فراوانی به چشم می‌خورد.^{۴۷} این شخصیت و الامقام - که از اصحاب اجماع، مشایخ ثقات و اعظم صحابیان ائمه □ به شمار می‌آید، در سال 210 برای دیدار امام جواد □ به مدینه رفت و در همان جا وفات کرد و دفن شد.^{۴۸} تلقی یک خبر از سوی فضل از دو استادش صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر بالغ بر شصت مورد است.

ز. نصر بن مزاحم : وی در عداد اساتید ارجمند فضل جای گرفته و در منابع روایی حدائق سه روایت از وی نقل کرده است. نصر بن مزاحم در سال 212 فوت نموده است.^{۴۹}

ح. محمد بن ابی عمیر : وی از اصحاب اجماع و مشایخ ثقات شمرده شده و تأثیر فوق العاده‌ای در شخصیت مستعد ابن شاذان و رشد همه جانبه وی داشته است. وی در ابتدا به همراه پدرش و پس از آن به تنهایی به حضور وی رفته و بیشترین دوران تحمّل و نقل حدیث را از او دارد. در *الکافی حدائق* 268 و در *تهذیب الاحکام* 87 و در *الاستبصار* 24 روایت فضل از ابن ابی عمیر گزارش شده است. بر این آمار باید ده‌ها خبر دیگر را

۴۰. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۱؛ منهج المقال، ص ۱۹.

۴۱. رجال النجاشی، ش 410.

۴۲. الکافی، ج 3، ص 339، ح 6 و ج 7، ص 10، ح 3؛ خلاصة الأقوال، ش 1103.

۴۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰؛ اختیار معرفة الرجال، ش ۵۷۲؛ الإختصاص، ص ۲۰۵.

۴۴. الکافی، ج 3، ص 88، ح 2؛ ص 91، ح 2، ص 101، ح 3 و ص 105، ح 1 و ...

۴۵. اختیار معرفة الرجال، ش ۱۰۲۹.

۴۶. الغيبة، ص 41.

۴۷. مختصر اثبات الرجعة، ح 4 و 8 و ح 18.

۴۸. رجال النجاشی، ش 524.

۴۹. الغيبة، ص 185، ص 441 و ص 445؛ میزان الاعتدال، ج 4، ص 253، ش 9046.

که وی از ابن ابی عمیر نقل کرده، افزوده گردید: وی سال 217 درگذشته است.^{۵۰}
 ابن شاذان، گرچه در حدود یک صد استاد از خاصّه و عامّه را درک کرده، اما بیشتر از 95 درصد از اخبار را از سه استادش حمّاد بن عیسی (م 209 ق)، صفوان بن یحیی (م 210 ق) و ابن ابی عمیر (م 217) نقل کرده است. فضل متولد پس از سال 203 چگونه از مشایخ ثلاثه و سایر اساتید مذکور متوفی در آن سالیان، تلقی حدیث کرده است؟

طبقه برخی از شاگردان و راویان ابن شاذان

اگر ما به منابعی دست یابیم که حاوی این نکته باشند که شاگردان فضل از صحابیان امام رضا، جواد، هادی و عسکری^{۵۱} به شمار می‌آیند، بی‌تردید، نقل و روایت وی را از امام رضا^{۵۲} برخوردار از صحّت و اعتبار می‌سازند.

۱. **ابراهیم بن هاشم**: طوسی چندین طریق به آثار ابن شاذان برای خویش بر شمرده، که در برخی از آنها ابراهیم بن هاشم از وی به نقل پرداخته است. به علاوه، نقل وی از فضل در کتاب *تهذیب الأحكام* رخ داده است.^{۵۳} اگر سخن طوسی را فاقد اعتبار و خطا تلقی کنیم، حداقل باید پذیرفت که فضل در طبقه وی قرار می‌گیرد. وی از صحابیان والامقام امام رضا^{۵۴} به شمار آمده که با آن حضرت ملاقات نیز داشته است.^{۵۵}

ب. **ابو عبدالله شاذانی**: وی که نواده برادر فضل است، بسیار از وی تلقی روایت کرده و به نقل اخبار وی اقبال شایان نشان داده است.^{۵۶} تأمل در دو نکته در وصول به نتیجه ما را کمک کار خواهد بود. به نظر می‌رسد فضل پس از شاذان بزرگ خاندان به حساب می‌آید و به علاوه، ابو عبدالله شاذانی از صحابه امام عسکری^{۵۷} به شمار آمده است.

ج. **عبدالله بن حمدویه بیهقی**: وی ابن شاذان را ملاقات کرده و از حوزه حدیث و کلام وی بهره برده و به نقل پرداخته است.^{۵۸} طوسی وی را در عداد صحابیان امام عسکری^{۵۹} بر شمرده، و در نامه‌ای که امام^{۶۰} به وی نوشته، نکاتی را برای تثبیت موقعیت ابراهیم بن عبده وکیل خویش در منطقه نیشابور و روشن ساختن شعاع حوزه فعالیت وی، گوشزد کرده است.^{۶۱}

کنکاش در پاره‌ای قراین تاریخی و رجالی

الف. شاذان از راویان امام کاظم^{۶۲}: با توجه به این که شاذان

۵۰. مختصر اثبات الرجعة، ج 2، 6، 17، 16؛ الغیبة، ص 161، 163، 455، 449.

۵۱. رجال النجاشی، ش 887.

۵۲. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش 564؛ تهذیب الأحكام، ج 7، ص 6، ح 19؛ ج 10، ص 5، 47، 86 (المشیخة).

۵۳. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص 11، ش 6؛ رجال الطوسی، ش 5224.

۵۴. اختیار معرفة الرجال، ش 304، 357، 408، 656، 774، 987، 1056، 1058، 1105، 1106.

۵۵. اختیار معرفة الرجال، ش 1028؛ رجال الطوسی، ش 5895.

۵۶. اختیار معرفة الرجال، ش 850، 979.

۵۷. رجال الطوسی، ش 5860+5823؛ اختیار معرفة الرجال، ش 1089.

پدر فضل از صحابیان و راویان امام کاظم □ (م 183ق) بوده^{۵۸}، شاگرد و فرزندش حداکثر یک طبقه متأخر از وی است و می‌تواند جزو صحابیان امام رضا □ به شمار آید.

ب. احمد بن محمد بن عیسی معاصر فضل: احمد بن محمد بن عیسی اشعری از عالمان بزرگی است که فراوان از شاذان پدر فضل به نقل پرداخته است^{۵۹}. روایات شاذان در کتب اربعه حدیثی بجز یک مورد - که توسط محمد بن جمهور نقل شده^{۶۰} - همگی با واسطه احمد بن محمد بن عیسی گزارش شده است. وی از مجتهدان والامقام و محدثان ثقه مکتب امامیه است که ملاقات‌هایی مکرر با امام رضا □ داشته است^{۶۱}. از جهت این که فضل با وی در یک طبقه و جزو شاگردان شاذان به شمار می‌آیند، و علاوه، سالیانی پس از فضل وی در گذشته است، از این رهگذر روایت فضل از امام رضا □ امری طبیعی و منطقی محسوب می‌گردد.

ج. دیدار با وکیل امام رضا: یکی از مشایخ حدیثی ابن شاذان - که از وی به تحمل حدیث پرداخته - عبدالعزیز بن مهندی قمی از وکیلان ویژه امام رضا □ است. فضل وی را بارها ملاقات و به مردی والامقام، متدین و الگوی قیام توصیف کرده است^{۶۲}. از رهگذر این که با مرگ موکل عنوان وکالت فاقد معناست، ملاقات به احتمال قوی در دوران حیات امام رضا □ رخ داده است.

د. دانشوری نامدار در زمان عبدالله طاهر: عبدالله بن طاهر نخست از جانب مأمون حکمران شهر رقه در شمال بغداد بود که پس از آن در سال 213 به امیری خراسان منصوب شد. وی عملاً سال 215 کار خویش را شروع و به دلایلی چند نیشابور را به عنوان پایتخت انتخاب و در آن اقامت گزید و به مدت هفده سال (213-230) حاکم رسمی خراسان بود^{۶۳}. به گزارش کثی وی ابن شاذان را پس از آن که از افکار و محتوای تألیفاتش اطلاع یافت، از نیشابور تبعید کرد^{۶۴}. این رخداد احتمال داده می‌شود که در همان آغاز ورودش اتفاق افتاده باشد. فضل در آن زمان که محاکمه و تبعید می‌شود، باید چهره‌ای شناخته شده، بلند آوازه، و پیشوا باشد. چگونه می‌توان تصور کرد که فضل متولد سالیانی پس از شهادت امام رضا □ در عین حال یک دهه و حداکثر دو دهه پس از ایشان، مبدا حرکت علمی و از عنوان مرجعیت برخوردار گردد.

ه. تحصیل و یا نقل پنجاه ساله از اصحاب اجماع: کثی از سهل بن بحر فارسی نقل می‌کند که در آخرین دیدارم با ابن شاذان وی اظهار داشت: من جانشین جمعی از بزرگانم که در گذشته‌اند. صفوان بن یحیی (م 210 ق) و ابن ابی عمیر (م 117 ق) و دیگر بزرگان امامیه [حماد بن عیسی (م 209 ق)، بزنطی (م

۵۸. الکافی، ج 8، ح 138؛ معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 9، ش 5678.

۵۹. الکافی، ج 2، ص 83، ح 4؛ ج 3، ص 24، ح 2، ص 29، ح 1 و 3، ص 45، ح 12؛ ج 4، ص 241، ح 1.

۶۰. همان، ج 8، ح 138.

۶۱. رجال النجاشی، ش ۱۹۸؛ رجال الطوسی، ش ۵۱۹۷؛ رجال البرقی، ص ۵۹؛ کتاب الرجال، ص ۴۴، ش ۱۳۱؛ خلاصة الأقوال،

ش ۶۷.

۶۲. اختیار معرفة الرجال، ش 910، 974 و 979.

۶۳. تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، ص ۱۸۵.

۶۴. اختیار معرفة الرجال، ش ۱۰۲۴.

221 ق)، ابن فضال (م 221، 224 ق) و ابن محبوب (م 224 ق) را درک کرده و به مدت پنجاه سال از آنان به تحمل حدیث [یا نقل] پرداخته‌ام^{۶۵}. گوینده این سخن، گرچه فضل است، اما با توجه به وثاقت، استواری و حق‌مداری‌ای که از وی سراغ داریم، به هیچ وجه دستخوش خودستایی نشده و گزارشگر واقعیت تاریخ است. تلقی حدیث و یا نقل از آن مشایخ ثقات و اصحاب اجماع با آن مدت زمان، حاوی این است که وی متولد حدود سال 180 و جزو معمرین بوده است.

و . **کهن سالی در لحظه ارتحال:** کشی از ابو علی^{۶۶} بیهقی شاگرد فضل - که بر جنازه وی نماز گزارده - نقل کرده که وی سال‌های پایانی عمر خویش را در بیهق از توابع نیشابور به سر می‌برد که خبر تهاجم خوارج به وی رسید. او که خود می‌دانست از اهداف اولیه آنان بی‌تردید دست یافتن به وی است، مخفیانه بیهق را رها و به طرف نیشابور حرکت کرد. این سفر وی را دستخوش رنج و بیماری جانکاهی ساخت که در نتیجه جان خویش را از رهگذر آن از دست داد^{۶۷}. التزام به این که حرکت در مسافتی نزدیک حتی در حالت فرار برای انسان 55 ساله و کمتر از آن، بخصوص برای انسان‌های پیشین، سبب مرگ آنان گردد، امری طبیعی تلقی نمی‌گردد. حس درونی و ارزیابی این گزارش تاریخی قرینه‌ای گویاست که ابن شاذان در این برهه پیرمردی کهن سال است که رنج سفر عامل مرگ شهادت گونه وی شده است.

ز . **صحابی امام عسکری^{۶۸} شاگرد با واسطه فضل:** احمد بن ادریس قمی - که در طبقه هشتم محدثان قرار دارد - از صحابیان امام عسکری^{۶۹} به شمار می‌آید. از طرفی وی از راویان و تلامیذ علی^{۷۰} بن محمد بن قتیبه است^{۷۱}. ابن قتیبه در طبقه پیش از وی و یا حد اقل هم طبقه اوست و با توجه به این که ابن قتیبه از شاگردان فضل بوده و در طبقه پس از وی قرار می‌گیرد، این دیدگاه که ابن شاذان جز روات و صحابه امام رضا^{۷۲} باشد، تقویت می‌شود.

ح . **صحابی امام هادی و عسکری^{۷۳} گزار شگر تألیفات فضل:** نجاشی برخی از عناوین 180 کتاب ابن شاذان را از نگاهسته یحیی بن زکریا گنجی نقل نموده است^{۷۴}. وی از صحابیان امام هادی و عسکری^{۷۵} بوده که در زمان حیات ایشان یا پس از آن، به تألیف کتابی پرداخته که اسامی مصنفین و کتب علمای شیعه را در آن ضبط نموده است^{۷۶}. باید فضل در زمان آن دو معصوم در قلمرو جهان اسلام و مراکز شیعی، همانند بغداد، کوفه، مدینه، خراسان چهره‌ای بلند آوازه و کثیر التألیف باشد که صحابی ایشان اسامی تصنیفات وی را برشمرده باشد.

ط . **نقل با سه واسطه از امام سجّاد^{۷۷}:** در منابع روایی ما

۶۵. همان، ش 1025.

۶۶. همان، ش 1024 و 1028.

۶۷. رجال الطوسی، ش 5831؛ بحار الأنوار، ج 49، ص 26.

۶۸. رجال النجاشی، ش 840.

۶۹. رجال الطوسی، ش 6390؛ مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، ص 496؛ النریعة، ج 4، ص 211، ش 1051 و ص 481، ش

2145.

به احادیثی برخورد می‌کنیم که فضل واقع در طبقه هفتم محدثان، از امام سجاده، تنها با سه واسطه به نقل پرداخته است.^{۷۰}

ی. نقل با دو واسطه از امام باقر □، به روایت اخبار روی آورده است.^{۷۱}

ک. گزارش از امام صادق □ با دو واسطه: طبق پژوهشی که نویسنده این سطور در کتب اربعه حدیثی شیعه انجام داده، توسط فضل در حدود 860 حدیث گزارش شده که بیشتر از 95 درصد آنها با دو واسطه از امام صادق □ نقل شده‌اند، بدان معنا که وی با واسطه یکی از دو استادش ابن ابی عمیر یا صفوان بن یحیی، از معاویه بن عمار، هشام بن حکم، عبدالرحمن بن حجاج، هشام بن سالم، حفص بن بختری، جمیل بن دراج، رفاعه بن موسی، ربیع بن عبدالله، منصور بن حازم، عیص بن قاسم و ... که از صحابیان نامبردار امام صادق □ تلقی می‌گردند، به نقل پرداخته است. آیا ژرفکاو و اندیشه ورزین در نقل وی از امام سجاده، باقر و صادق □، و تأمل در طبقه راوی و مروی عنه و تعداد واسطه‌ها، نقل وی را از امام رضا □ امری پذیرفتنی جلوه‌گر نمی‌سازد؟

کند و کاو در گزارش رجال کشی و نجاشی

نویسنده معرفه/حدیث بر آن است که فضل اوایل عمر حسن بن علی بن فضال (م224-221ق) و سایر مشایخ خویش را درک کرده، از رهگذر این که نوشته شده به سن بلوغ نرسیده بود که در قطیعه الربیع بغداد در نزد یکی از مقریان به نام اسماعیل بن عباد به اموختن قرآن پرداخت و ابن فضال در آن برهه کهنسالی خویش را سپری می‌کرد. ایشان معتقد است کلام ذیل - که به وسیله کشی و نجاشی از ابن شاذان نقل شده - آن رهیافت را تأیید می‌کند:

قال الفضل بن شاذان: كنت في قطيعة الربيع في مسجد الربيع، اقرأ علي مقرأ يقال له اسماعيل بن عباد، فرأيت قوماً يتناجون فقال احدهم: بالجبل رجل يقال له ابن فضال اعبد من رأينا او سمعنا به، قال: فانه ليخرج الي الصحراء فيسجد السجدة... قال ابو محمد الفضل بن شاذان: فظننت أن هذا رجل، كان في الزمان الأول فيينا انا بعد ذلك بسنين (بیسیر) قاعد في قطيعة الربيع مع ابي، إذ جاء شيخ حلو الوجه حسن الشمائل... فسلم علي ابي فقام اليه ابي فرحب به وبجله، فلما أن مضى يريد ابن ابي عمير قلت: من هذا الشيخ فقال: هذا الحسن بن علي بن فضال، قلت: هذا ذلك العابد الفاضل، قال: هو ذاك، قلت: ليس هو ذاك، ذاك بالجبل، قال: هو ذاك. كان يكون بالجبل، قال: ما أقل (اغفل) عقلك من غلام فاخبرته بما سمعت من القوم فيه، قال: هو ذاك. فكان بعد ذلك يختلف الي ابي، ثم خرجت اليه بعد الي الكوفة، فسمعت منه كتاب ابن بكير وغيره من الاحاديث، وكان يحمل كتابه ويحني الي حجرتي (الحجرة) فيقرأه علي. فلما حج ختن طاهر بن الحسين وعظمه الناس لقدره وماله ومكانه من السلطان، وقد كان وصف له، فلم يصبر اليه الحسن، فإرسل اليه احب أن تصير الي فانه لا يمكنني المصير اليك، فإبي، وكلمه اصحابنا في ذلك، فقال: مالي و نظاهر (و ال ظاهر) لا اقربهم، ليس

۷۰. الكافي، ج 1، ص 100، ح 2 و ج 2، ص 107، ح 3 و ج 3، ص 409، ح 2 و ج 6، ص 118، ح 2.

۷۱. الكافي، ج 1، ص 413، ح 6؛ ج 3، ص 330، ح 2.

ببینی و بینهم عمل، فعلمت بعد هذا (بعدها) آن مجینه الی بیته کان لدینه (لم یکن الّا لجدوده النیة)^{۷۲}.

الف. به فراز کنت اقرء علی مقررء یقال له اسماعیل بن عبّاد - که گفته فضل است - نمی‌توان استدلال جست که وی در کهنسالی ابن فضّال، هنوز نوجوانی در مرحله آموزش قرآن از اسماعیل بن عبّاد بوده است. کلمه قرائت از قابلیت و ظرفیتی برخوردار است که در صحت مفاد آن، تفاوتی بین آموختن قرآن، حدیث یا هر متن دیگری است. در پایان همین متن قرینه‌ای است که آن برداشت را صد در صد نفی می‌کند. فضل در ادامه می‌گوید:

ثم خرجت الیه بعد الی الکوفة، فسمعت منه کتاب ابن بکیر و غیره من الاحادیث، و کان یحمل کتابه و یجئ الی حجرتی فیقرأه علی.

و ابن فضّال کتب حدیثی، اعمّ از کتب ابن بکیر و دیگران را، به حجره من می‌آورد و بر من می‌خواند. وی به عنوان راوی متن مذکور، واژه قرائت را در باره تحمّل حدیث به کار برده است.

ب. دریافت حدیث برخوردار از نه اسلوب متفاوت است که قرائت (عرض) یک قسم آن است؛ بدان معنا که شاگرد به خواندن خبر از کتاب و یا حفظ پردازد و استاد تصحیح کننده کاستی‌های وی باشد. به خلاف شیوه سماع که شیخ از کتاب و یا از حفظ، املا و انشا و شاگرد استماع و یادداشت می‌نماید^{۷۳}. جمله کنت اقرء علی مقررء یقال له اسماعیل بن عبّاد می‌تواند اشاره به این روش تعلّم حدیث باشد.

ج. گزارش فوق الذکر فضل حاوی و حاکی از یک رخداد متصل به هم نیست. عبارت بدان معنا نیست که تحصیل ابن شاذان در نزد اسماعیل بن عبّاد و فراگیری وی از بزرگانی چون ابن فضّال در یک زمان به هم پیوسته و بی‌گسست انجام پذیرفته، تا نتیجه‌گیری شود که فضل در دوران نوجوانی خویش، ابن فضال را که دوران کهنسالی خود را سپری می‌کرده، درک کرده است. چون عبارت کشتی فبینا انا بعد ذلک بسنین، فاصله زمانی چندین ساله را بین آن دو رخداد تبیین می‌کند. ترجمه عبارت این می‌شود: من خیال می‌کردم این شخص که در باره زهد و پرهیزگاری وی سخن می‌گویند (ابن فضّال) در گذشته زندگی می‌کرده که من بعد از سال‌ها بار دیگر گذرم به همان مسجد در قطیعه الربیع افتاد و با پدرم در آن جا نشسته بودیم که ابن فضّال آمد^{۷۴}.

د. ایشان با تکیه بر جمله اذ جاء شیخ حلوا لوجه نتیجه‌گیری کرده‌اند که فضل نوجوان، دوران سالخوردگی ابن فضال را درک کرده است. یکی از معانی واژه شیخ، پیر و سالخورده است، اما برای آن واژه معانی دیگری چون ذوالمکانة من علم او فضل او ریاسة ذکر کرده‌اند^{۷۵}. تأمل در تعبیر علامه حلی در ارتباط با ابن شاذان به هذا الشیخ اجلّ من آن یغمر علیه^{۷۶} و تعبیر پیروان مکتب اهل بیت در ارتباط با محمد بن حسن طوسی به

۷۲. اختیار معرفة الرجال، ش ۹۹۳؛ رجال النجاشی، ص ۳۴، ش ۷۲.

۷۳. درایة الحدیث، ص ۱۳۳؛ اصول علم الرجال بین النظریة و التطبيق، ص ۲۲۴.

۷۴. اختیار معرفة الرجال، ش ۹۹۳.

۷۵. المعجم الوسیط، ص ۵۰۲.

۷۶. خلاصة الاقوال، ص ۲۲۹، ش ۷۶۹.

شیخ الطائفه ما را به فهم آن عبارت نزدیک می‌کند. بین معنای سالخوردگی و معنای دیگر شیخ به اصطلاح اهل منطق رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد.

ه. بر فرض که واژه شیخ به معنای سالخورده باشد، اما حاوی آن دستاورد نیست. تاریخ درگذشت ابن فضال فی الجمله^{۷۶} معلوم است، اما هنگامه تولد و مدت عمر وی مشخص نیست. شاید این برخورد قبل از شهادت امام رضا □ و یا یک و دو سال پس از آن اتفاق افتاده که در آن برهه این فضال نسبت به ابن شاذان کهنسال بوده است.

و. از رهگذر تعبیر شاذان - که در پی انکار فضل در باره ابن همانی و تطبیق ابن فضال گفت: ما اقل عقلک من غلام - نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که واژه غلام متضمن بر دوران عدم بلوغ وی است. نویسندگان کتب لغت، در ذیل واژه غلام، غلومه، غلامیه و غلمه و غلیم آن را به برهه جوانی و فعال شدن نیروی شهوی تفسیر نموده‌اند. به علاوه، در برخی موارد کاربرد واژه غلام در اساس اشاره به جنسیت مخاطب و پسر بودن او دارد و مرتبه سنی او مد نظر نیست. وانگهی کاربرد این گونه تعبیرات نسبت به فرزند، رایج و مرسوم است. پدران گاهی به فرزندان خود که ممکن است چند دهه از سن آنان گذشته و صاحب فرزند هم باشند، به هنگامه پیدایش و اگرایی و اختلاف در دید و کردار می‌گویند: تو هنوز هم بی‌تجربه و بچه هستی. آیا از این جمله کنایی می‌توان کودکی او را نتیجه گرفت؟ و آخر این که جزو مسلمات تاریخی است که امام حسین □ در مورد فرزندش علی بن الحسین □ در روز عاشورا فرمود:

اللهم اشهد فقد برز اليهم غلامٌ اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولك.

و وی نیز پس از معرفی خویش با گفتن جمله حماسی:

اضربكم بالسيف حتى ينثني ضرب غلام هاشمي علوي

از خود تعبیر به غلام کرده، با این که وی از امام سجّاد □ - که با فرزندش امام باقر □ در روز عاشورا حضور داشت - بزرگتر بود. حداقل هجده ساله بود و برخی او را 25 ساله نیز ذکر کرده‌اند^{۷۸}.

ز. در همین متنی که دستاویز استشهاد قرار گرفته، در این که فضل پس از شهادت امام رضا □ متولد شده، قرینه‌ای وجود دارد که آن رویکرد را دستخوش خدشه می‌سازد. در بخش پایانی آن ابن شاذان اشاره می‌کند، من در کوفه بودم که داماد طاهر بن حسین پس از حجّ به کوفه آمد، و از رهگذر این که فضایل و کمالات ابن فضال را شنیده بود، نماینده‌ای پیش وی فرستاد و خواهان دیدار گردید. وی با وجود تشویق دیگران ملاقات را نپذیرفت و اظهار داشت: «مالي لطاهر و ال طاهر؛ من با طاهر و خاندان طاهر کاری ندارم». به احتمال قوی با توجه به جمله مالی لطاهر...، تقاضای دیدار از طرف داماد طاهر در زمان حیات آن سردار رخ داده، و گر نه سخن از وی بی‌مورد است. طاهر در سال 205 به دلایلی از بغداد به منطقه مرو اعزام شد و در سال 207 به مرگ طبیعی و یا بنا بر یک نظریه تأیید نشده با دسیسه مأمون از پای در آمد. ابن شاذان متولد شده پس از سال 203، چگونه شاهد جریان فوق بوده است؟ آیا وی در آن برهه در موقعیت علمی و اجتماعی

۷۷. رجال التجاشی، ش ۱۸۰.

۷۸. اللهورف فی قتلی الطوفوف، ص 67؛ منتهی الامال، ص ۴۵۲.

قرار نداشته است.

ح. از عبارت «*فعلمت بعد هذا أن مجینه الی بیته کان لدینه*» - که از سوی ابن شاذان گزارش شده - استظهار می‌شود که عدم پذیرش داماد طاهر سالیانی پس از تلقی و دریافت حدیث وی از ابن فضال رخ داده است. از رهگذر این که فضل اشاره می‌کند، کمال فروتنی ابن فضال در این نکته بود که وی به سکونت‌گاه من برای آموختن روایات می‌آمد، اما پس از آن پذیرش داماد طاهر - که برخوردار از قدرت، جلال و مال بود - خودداری کرد.

تعدد طرق مشایخ عظام: صدوق، مفید، طوسی و نجاشی به حدیث العلل

ما در این فراز در صدد شناخت طرق و سند شخصیت‌های بزرگ شیعه، صدوق (م 381 ق)، مفید (م 413 ق)، طوسی (م 460 ق) و نجاشی (م 450 ق) به کتب، روایات و از جمله حدیث العلل ابن شاذان هستیم. شخصیت‌های فوق الذکر از مرتفع‌ترین چکادهای دانش و معرفت‌اند و ذخایر علمی و روایی تشیع و امدار تلاش‌های آن ستارگان بی‌بدیل است.

الف. طرق چهارگانه شیخ صدوق

شیخ صدوق حداقل برخوردار از چهار سلسله سند در ارتباط با روایات و تألیفات ابن شاذان است که از آن جمله احادیث *علل الشرایع و الاحکام* و ما کتبه الرضا للمامون فی محض الاسلام است. وی در باره آن دو روایت - که هر یک کتابی تلقی می‌گردند - در کتاب‌های *علل الشرایع و عیون اخبار الرضا* دو طریق: *عبدالواحد بن محمد بن عبدوس* ← *علی بن محمد بن قتیبه* ← *فضل بن شاذان* ← *امام رضا* و *ابوجعفر محمد بن نعیم بن شاذان* ← *ابو عبدالله محمد بن شاذان* ← *فضل بن شاذان* ← *امام رضا* را برشمرده است.^{۷۹} وی در *المشیخة* تنها به ذکر طریق اول بسنده نموده است.^{۸۰} طوسی دو طریق: *ابن ولید* ← *احمد بن ادريس* ← *علی بن محمد بن قتیبه* و *حمزه بن محمد علوی* ← *قنیر بن علی بن شاذان* ← *علی بن شاذان* - که متفاوت از دو طریق فوق الذکر است - برای شیخ صدوق خود به تمامی تألیفات و روایات ابن شاذان از جمله حدیث العلل برشمرده است.^{۸۱}

ب. طرق شیخ مفید و طوسی

شیخ طوسی بنا بر پژوهش و تلقی و فهم نگارنده، برخوردار از 25 طریق و هشت سلسله‌سندی، چنان که برخی از اساتید اظهار کرده‌اند^{۸۲}، به تألیفات و روایات فضل است که به دو طریق آن در *الفهرست* اشاره نموده است. وی پس از آن که 33 عنوان از تصنیفات فضل، از جمله العلل، اثبات الرجعه و الدبیاج - که بنا به قولی همان *الایضاح* است - نام می‌برد و می‌نویسد:

۷۹. *عیون اخبار الرضا*، ج 2، باب 34، ص 106 و باب 35، ص 129؛ *علل الشرایع*، ج 1، باب 182، ص 251.

۸۰. *من لایحضره الفقیه*، ج 4، ص 457.

۸۱. *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، ش ۵۶۴.

۸۲. *اصول علم الرجال بین النظریه و التطبيق*، ص ۶۰۴.

أخبرنا بروایاته و کتبه، ابو عبدالله عن محمد بن علی بن الحسين عن محمد بن الحسن، عن احمد بن ادریس، عن علی بن محمد بن قتیبه، عن الفضل. و رواها محمد بن علی بن الحسين، عن حمزه بن محمد العلوی، عن ابی نصر قنبر بن علی بن شاذان، عن ابیه، عن الفضل؛

به روایات و تألیفات ابن شاذان از جمله العلل وی از دو طریق: 1. مفید ← صدوق ← ابن ولید ← احمد بن ادریس ← علی بن محمد بن قتیبه. 2. مفید ← صدوق ← حمزه بن محمد علوی ← قنبر بن علی بن شاذان ← علی بن شاذان دست یافته‌ام^{۸۳}. و چون شیخ مفید در سلسله سند طوسی وجود دارد، از این رهگذر وی هم به العلل فضل و سایر روایات و کتب وی سند دارد.

به بیست و سه سلسله آن، گر چه بسیاری از افراد در آن تکرار شده، در المشیخة و سند الكتاب پرداخته است. وی در بخشی از کتاب المشیخة و سند الكتاب نگاشته است:

فما ذکرته عن محمد بن یعقوب الكلینی، فقد أخبرنا به الشيخ المفید ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان الحارثی البغدادی، عن ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، عن محمد بن یعقوب و أخبرنا به أيضاً الحسين بن عبدالله، عن ابی غالب احمد بن محمد الزراری، و ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری، و ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابی عبدالله احمد بن ابی رافع الصیمری، و ابی الفضل الشیبانی، و غیرهم کلهم عن محمد بن یعقوب و أخبرنا به أيضاً احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر رحمه الله علیه، عن احمد بن ابی رافع و ابی الحسين عبدالکریم بن عبدالله بن نصر البزاز بتنیس و بغداد، عن ابی جعفر محمد بن یعقوب الكلینی جمیع مصنفاة و احادیثه سماعاً و اجازةً ببغداد بباب الكوفة درب السلسله سنة سبع و عشرین و ثلاثمئة^{۸۴}.

طوسی در عبارت فوق اشاره می‌کند که به کلینی دارای هشت طریق است. وی در ادامه می‌نویسد:

ما ذکرته عن الفضل بن شاذان ما رویته بهذا الاسناد، عن محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان^{۸۵}.

اخبار نقل شده از فضل بن شاذان در التهنیب و الاستبصار از طریق کلینی با دو واسطه محمد بن اسماعیل و یا علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن هاشم به دست آمده است. از ضرب هشت در دو، شانزده صورت از دو عبارت فوق حاصل می‌گردد. طوسی در بخشی دیگر از المشیخة و سند الكتاب با عبارت:

وما ذکرته عن الفضل بن شاذان، فقد أخبرني به الشيخ ابو عبدالله والحسين ابن عبيدالله واحمد بن عبدون، کلهم، عن ابی محمد الحسن بن حمزه العلوی الحسينی الطبری، عن علی بن محمد بن قتیبه النیسابوری، عن الفضل بن شاذان و روی ابو محمد الحسن بن حمزة، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن الفضل ابن شاذان و أخبرنا الشریف ابو محمد الحسن بن احمد بن القاسم العلوی المحمّدی، عن ابی عبدالله محمد بن احمد الصفوانی، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن الفضل بن شاذان،

به هفت طریق دیگر به ابن شاذان اشاره نموده است^{۸۶}.

۸۳. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۳۶۳، ش ۵۶۴.

۸۴. تهذیب الأحکام، ج ۱۰ ص ۵؛ الإستبصار، ج ۴، ص ۳۰۵.

۸۵. تهذیب الأحکام، ج ۱۰ ص ۴۷؛ الإستبصار، ج ۴، ص ۳۱۵.

۸۶. تهذیب الأحکام، ج ۱۰ ص ۸۶؛ الإستبصار، ج ۴، ص ۳۴۱.

ج . طریق نجاشی

نجاشی پس از آن که به 48 عنوان از تصنیفات فضل از جمله العلل وی اشاره می‌کند، می‌نویسد:

أخبرنا أبو العباس بن نوح قال: حدثنا أحمد بن جعفر قال: حدثنا أحمد بن إدريس بن أحمد، قال: حدثنا علي بن أحمد [محمد] بن قتيبة النيشابوري عنه؛
طريق به روایات و کتب ابن شاذان از جمله کتاب العلل وی: أبو العباس بن نوح ←
أحمد بن جعفر بن سفیان ← أحمد بن إدريس قمّي ← علي بن أحمد (محمد) بن
قتيبة است.^{۸۷}

بررسی افراد واقع در این طرق سی گانه صدوق، مفید، طوسی و نجاشی با رویکرد رجالی از ظرفیت این مقاله بیرون است و نمی‌توان تمامیت اسناد و طرق را از استواری برخوردار دانست، که بسیاری دارای ویژگی صحت هستند و حد اقل بهره‌مندی یکی از آنها هم از اعتبار لازم که سند به العلل داشته باشد، برای اثبات مقصد، کافی تلقی می‌گردد.

استواری و صحت سند حدیث العلل در منظر فقیهان

فقه‌های معاصر - که پایبند به اعمال قواعد رجالی‌اند - در باره حدیث العلل و نامه امام رضا □ به مأمون که هر دو از وحدت سندی هماهنگ برخوردارند، تعبیرات توصیفی متفاوت و در عین حال بسی و الا ارائه داده‌اند که تعبیرات آنان، تردیدی باقی نمی‌گذارد که سلسله سند از وثاقت و صحت برخوردار است که نتیجه طبیعی و مستقیم آن اثبات صحابی امام رضا □ بودن ابن شاذان است.

الف . برخی از فقها همانند: آل عصفور، محمد حسن نجفی، آقا رضا همدانی، سید احمد خوانساری، سید روح‌الله خمینی، سید محمد صادق روحانی، تعبیر به صحیحه فضل بن شاذان نموده‌اند.^{۸۸} خیر صحیح به خبری اطلاق می‌شود که سلسله سندش توسط رجال موثق امامی مذهب، به معصوم متصل گردد.

ب . در برخی از مواضع فقها و الامام صاحب جوهر و شیخ انصاری و... اظهار کرده‌اند که سند العلل و نامه امام به مأمون «لا یقصر عن الصحیح؛ در حد صحیح» تلقی می‌گردند.^{۸۹}

ج . پاره‌ای از فقها مانند امام سید روح‌الله خمینی گاه از آن به «حسن بل صحیح؛ حدیث حسن و بلکه صحیح» تعبیر نموده‌اند.^{۹۰}

د . برخوردار بودن از سند قوی گفته برخی از متخصصان همانند میرزای قمی است.^{۹۱} و آن به خبری اطلاق می‌گردد که تمامی افراد موجود در سند امامی مذهب باشند.

۸۷. رجال النجاشی، ص 306، ش 840.

۸۸. تنمة الحدائق الناظرة، ج 2، ص 143؛ جواهر الکلام، ج 17، ص 32-33؛ مصباح الفقیه، ج 2 (قسمت 2)، ص 599؛ جامع المدارک، ج 1، ص 459؛ مکاسب المحرمة، ج 1، ص 246-245؛ فقه الصادق، ج 6، ص 60 و ج 8، ص 381-387.

۸۹. جواهر الکلام، ج 10؛ ص 285؛ مکاسب، ج 2، ص 11.

۹۰. مکاسب المحرمة، ج 2، ص 55.

۹۱. غنم الایام، ج 5، ص 398.

هـ. سند معتبر داشتن نیز گفته برخی از فقها مانند: محقق بحرانی، صاحب جواهر، خوانساری و روحانی است^{۹۲}. و خبر معتبر حدیثی است که به مضمون آن همگی یا اکثریت عمل کرده و یا دلیلی بر اعتبارش موجود باشد.

و. فقیهان نامبرداری چون شیخ مرتضی انصاری و آقا رضا همدانی و... در برخی از موارد تعبیر به «حسن کالصحیح» کرده‌اند^{۹۳}، و آن به روایتی اطلاق می‌گردد که راویان آن در حد وثاقت یا از اصحاب اجماع باشند.

ز. فقه شناسان نامداری همانند: مرتضی انصاری، محمد حسن نجفی، آقا رضا همدانی، سید محسن حکیم و امام سید روح الله خمینی، گاهی تعبیر به حسن ابن شاذان نموده‌اند^{۹۴}، و آن به خبری اطلاق می‌گردد که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند، گر چه تصریح بر وثاقت هر یک نشده باشد.

در بین عالمان و محققان صاحب نام فقیه رجالی سید ابو القاسم خویی با این که ابن شاذان را از صحابیان امام رضا □ محسوب کرده^{۹۵} و به روایت العلل به فزونی استدلال نموده^{۹۶}، با توجه به مبنای ویژه خویش، از رهگذر وجود علی بن محمد بن قتیبه در سلسله آن حدیث - که از طرف رجال شناسان توثیق خاصی ندارد - آن را ضعیف السند قلمداد نموده است^{۹۷}. بسیاری دیدگاه ایشان را در تکیه بر عامل توثیق رجال شناسان و نادیده انگاشتن سایر اسباب، برنمی‌تابند^{۹۸}. بی‌تردید، ابن قتیبه از متکلمان و راویان و الامام شیعیه و دانشمندی با همت به شمار می‌آید که نشر افکار و روایات فضل مدیون تلاش‌های وی نیز بوده است. علامه حلی وی را در بخش ثقات کتاب رجالی‌اش به نگارش آورده، و افزون بر این، دو روایتی را که وی از فضل در ارتباط با یونس بن عبدالرحمن ذکر نموده، صحیح السند دانسته است^{۹۹}.

نتیجه

نویسنده بر این باور است با لحاظ کردن امور هشتگانه‌ای که به ایجاز گذشت، قلمداد کردن تولد فضل به تاریخ پس از حیات امام رضا □ و از آن رهگذر فاقد اعتبار و انمود کردن روایات وی را از آن حضرت و بلکه صدها خبرش را از سایر مشایخش، نوعی کج‌یابی و

۹۲. الحدائق الناضرة، ج ۲، ص ۱۰۰ و ج ۱۱، ص ۲۹۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۲۸۵، ۳۰۴ - ۳۱۳؛ جامع المدارک، ج ۱، ص ۵۷۵؛ فقه الصادق، ج ۶، ص ۱۱۲.

۹۳. الطهارة، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ج ۲، ص ۳۲۲ - ۳۲۳؛ الصلاة، ج ۱، ص ۳۸۰ - ۴۱۷؛ ج ۲، ص ۸۶ - ۱۷۱؛ رسائل فقهیه، ص ۴۹؛ مصباح الفقیه، ج ۲(ق ۱)، ص ۳۷۴.

۹۴. الطهارة، ج ۲، ص ۵۹۱؛ الصوم، ص ۲۳۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۹۶؛ مصباح الفقیه، ج ۲ (ق ۲)، ص ۴۸۰؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۵۴؛ مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۶۷، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۳.

۹۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۹۶. الطهارة، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ج ۳، ص ۴۸۶؛ ج ۷، ص ۲۹۶ - ۳۲۲؛ ج ۸، ص ۳۴۱؛ ج ۹، ص ۱۴؛ الصلاة، ج ۱، ص ۴۶، ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۴۰۵؛ ج ۳، ص ۱۷۸، ۳۱۴، ۳۹۹، ۴۱۶، ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۸۱، ۴۲۵؛ ج ۵، ص ۸، ۱۱، ۱۴، ۸۵؛ ج ۷، ص ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۱؛ الصوم، ج ۲، ص ۱۸ و ۲۵؛ الحج، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۸؛ مصباح الفقه، ج ۱، ص ۳۸۵؛ ج ۴، ص ۵۱.

۹۷. الطهارة، ج ۳، ص ۴۸۷؛ الصلاة، ج ۲، ص ۴۰۰؛ ج ۳، ص ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۱۴، ۴۱۶؛ ج ۷، ص ۳۲۳؛ الصوم، ج ۲، ص ۱۸۹، ۲۵۴، ۱۹۹.

۹۸. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۴۷.

۹۹. خلاصة الاقوال، ص ۲۹۶، ش ۱۱۰۳.

شاید کجتابی، باید تلقی کرد.

کتابنامه

- **الاختصاص**، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
- **اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)**، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت، 1404ق.
- **الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار**، محمد بن حسن طوسی، (شیخ طوسی) تهران: دار الکتب الاسلامیة، 1390 ق.
- **اصول علم الرجال بین النظریة و التطبيقی**، مسلم داوری، قم: ناشر المؤلف، چاپ اول، 1416 ق.
- **بحار الانوار**، محمد باقر مجلسی، تحقیق: محمد باقر البهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1403 ق.
- **تاریخ بغداد**، احمد بن علی الخطیب البغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، 1417ق.
- **تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام**، امیر اکبری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، 1384ش.
- **تاریخ نیشابور**، ابو عبدالله حاکم نیشابوری، تصحیح: محمد رضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، 1375 ش.
- **تأویل الآیات الظاهرة**، سیّد شرف الدین حسینی استرآبادی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1409ق.
- **تمّة الحدائق الناضرة**، حسین آل عصفور، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، 1410ق.
- **تقریب التهذیب**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، 1415 ق / 1999م.
- **تقیح المقال**، عبدالله مامقانی، نجف اشرف: منشورات المكتبة المرتضویة، چاپ سنگی، 1350 ق.
- **التوحید**، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، 1398 ق.
- **تهذیب الاحکام**، محمد بن حسن طوسی، (شیخ طوسی)، تهران: دار الکتب الاسلامیة، 1364ش.
- **تهذیب التهذیب**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، 1412 ق، 1991 م.
- **جامع الرواة وازاحة الاشتباهات**، محمد بن علی اردبیلی، بیروت: دارالاضواء، 1403ق/ 1983م.
- **الجامع فی الرجال**، موسی زنجانی، قم: نسخه خطی، چاپخانه پیروز، بی تا.
- **جامع المدارک**، سیّد احمد خوانساری، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: کتابخانه صدوق، 1405ق.
- **الجرح و التعذیل**، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، 1371 ق / 1952م.
- **جواهر الکلام**، محمد حسن نجفی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، 1365ش.
- **حاوی الاقوال فی معرفة الرجال**، عبدالنبی جزائری، قم: مؤسسة الهدایة و احیاء التراث، چاپ اول، 1418ق.

- الحج، سید ابوالقاسم خویی، قم: انتشارات لطفی، چاپ دوم، 1364 ش.
- الحقائق الناصرة، یوسف بحرانی، نجف اشرف: منشورات المطبعة النجف، 1376 ق.
- الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، قم: مؤسسة الامام المهدي، چاپ اول، 1409 ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: منشورات جامعة المدرسين، 1403 / 1362 ش.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف (علامه حلی)، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپ دوم، 1422 ق.
- درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پانزده، 1379 ش.
- الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، تهران: کتابخانه اسلامی، 1408 ق.
- راویان امام رضا □ در مسند الرضا □، عزیز الله عطاردی، مشهد: کنگره جهانی امام رضا □، 1367 ش.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، (شیخ طوسی) قم: انتشارات اسلامی، 1415 ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، 1427 ق.
- رسائل الفقهیة، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ انصاری، 1414 ق.
- سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی دمشقی، بیروت: مؤسسة الرسالة، 1413 ق / 1993 م.
- الصلاة، سید ابوالقاسم خویی، قم: دارالهادی للمطبوعات، چاپ سوم، 1410 ق.
- الصلاة، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ انصاری، چاپ اول، 1415 ق.
- الصوم، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ انصاری، چاپ اول، 1413 ق.
- طبقات الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1383 ق.
- الطهارة، سید ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ دوم، 1410 ق.